

طرح مساله

بررسی جایگاه و تأثیر هر یک از صحابه با همه دشواری در مسیر تحقیق از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ در این میان، ابتدا باید دانسته شود که یک صحابی تا چه میزان گوش به فرمان سخنان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بوده است؛ ارزیابی این مهم از آن روست که شمار فراوانی از آیات قرآن به نقد جایگاه صحابه و منش آنان پرداخته است (نک: الحجرات، ۶ و النساء، ۱۴۵) و ضمن تأکید بر ملاک تقوای (نک: الحجرات، ۱۳) بر عملکرد یکان یکان صحابه مهر تأیید نزده است. براساس مدعای شیعه، صرف دیدار و ارتباط با پیامبر (صلی الله علیه و آله) نمی‌تواند نشان دهنده عدالت و اعتماد شخص باشد.

در این مقاله بر آنیم ضمن معرفی ابن مسعود، تأثیر او را در جامعه صدر اسلام را مورد ارزیابی قرار دهیم؛ مسلمان شدن او در آغاز رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ملازمت با ایشان و سرانجام عملکرد او بعد از شهادت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که منجر به موضع گیری‌های خاص شده است، به گونه‌ای است که می‌توان اندیشه‌های او را مستقل از روند عمومی جامعه تلقی کرد؛ از این رو تأثیر کارکرد او را در قبال قرآن و رویدادهای بعد از نبی (صلی الله علیه و آله) مورد ارزیابی قرار گرفته است.

شرح حال عبدالله بن مسعود

طرح این موضوع، از آن رو حائز اهمیت است که نشان دهنده ملازمت قابل ملاحظه عبدالله بن مسعود با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است؛ اگر چه آن چنان که اشاره شد تنها ملازمت فراوان را نمی‌توان دلیلی بر حجیت کلام بزرگان صحابه دانست، اما از این مهم می‌توان به عنوان امتیاز نسبت به سایر صحابه یاد کرد.

عبدالله بن مسعود بن جبیب بن شمخ بن مخزوم بن صاحله بن کاہل بن حارث بن تمیم بن سعد بن هذیل بن مدرکه بن الیاس بن مضر هذلی که قبل از عثمان در سال (۳۲ ق.) وفات نمود و در بقیع دفن شد (ذهبی، ۴۶۱/۱) حلیف بنی زهره بود. (قمی، تحفه الاحباب، ۲۸۲)، چون پدرش حلیف بنی زهره بود او هم بعدها به همین عنوان شناخته شد؛ مادر او، ام عبد دختر عبدالود بود از این رو گاهی به عبدالله بن مسعود کنیه «ابن ام عبد» نیز داده‌اند. (ذهبی، ۱/۴۶۲ و قمی، الکنی والالقب، ۱/۲۱۶) ولی بیشتر با عنوان «ابو عبدالله الرحمن» مشهور است. (ابن عبدالبر، ۳/۹۸۷)

ارزیابی شخصیت و عملکرد عبدالله بن مسعود

احسان پور اسماعیل^۱

چکیده

عبدالله بن مسعود از شخصیت‌های به نام تاریخ صدر اسلام، فاری و دارای مصحف است که ارزیابی شخصیت او از آن رو دارای اهمیت است که مکاتب اسلامی از نظر آشنازی وی با علوم قرآن و حدیث، فرائت و تفسیر، بیشتر زبان به تأییدش گشوده‌اند. عملکرد او قبل از شهادت پیامبر (صلی الله علیه و آله) با عنوان شاگرد مکتب وحی و بعد از فقدان ایشان به عنوان مدافع اسلام اصیل قابل تأمل است. ابن مسعود از جمله صحابه‌ای است که در طی حیات خود حتی اگر پیروی از مکتب حق به ظاهر موجب صدمه دیدن جایگاه اجتماعی او شد، موضع خود را کاملاً به صورت روشن بارها و بارها اعلام کرد؛ همین صراحة است که از اندیشه عبدالله بن مسعود مکتبی مستقل می‌سازد و این مکتب پایه فعالیت‌های امام علی (علیه السلام) در زمان حکومت ظاهری ایشان در کوفه است. همکاری او در زمان خلیفة دوم که بیشتر در حوزه فعالیت‌های فرهنگی است از یک سو و موضع گیری‌های صریح او در برابر عملکرد خلفای سه گانه بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ویژه عثمان، نظرات متفاوتی را پیرامون وی رقم زده است که با توجیه اذن امام علی (علیه السلام) به وی در جهت همکاری با دستگاه خلافت می‌توان کیلایت عملکرد او را مثبت ارزیابی کرد؛ چه این‌که این‌قدر جدی اهل بیت (علیهم السلام) در منابع مختلف مربوط به حذف‌معذبناز مصحف اش می‌شود از این‌رو می‌توان سایر تهمت‌ها را به سبب دفاع او از امام علی (علیه السلام) ترسیم کرد.

کلید واژه‌ها: عبدالله بن مسعود، قرآن، صحابه، روش‌های تفسیری، مصحف، مدرسه کوفه

مسعود را در جرگه مهاجرانی به شمار آورده‌اند که همراه مسلمانان از مکه به یشرب رفت و به حضور او در جنگ‌های صدر اسلام و نبرد بدر و احمد اشاره کرده‌اند، این نکته بر می‌آید که او زودتر از دیگران به مکه بازگشت و در کنار یاران پیامبر (صلی الله علیه وآلہ) قرار گرفت.

خانه او در جنوب شمالی مسجد رسول خدا (صلی الله علیه وآلہ) بود، به همین جهت با مادرش پیوسته به خانه پیامبر (صلی الله علیه وآلہ) آمد و شد داشت تا جایی که وقتی ابو موسی اشعری به مدینه آمد، ابن مسعود و مادرش را از اهل بیت طهارت می‌پنداشت! (عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابة، ۲/۳۶۹ و شحاته، ۱۴۲/۲) وی، چنان به رسول خدا (صلی الله علیه وآلہ) نزدیک بود که حضرت خطاب به او فرمود: «به تو اجازه می‌دهم هرگاه خواستی، نزد من بیایی و سخنان مرا بشنوی؛ در رفت و آمد تو نزد ما هیچ معنی نیست». (عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابة، ۲/۳۶۹)

ابن مسعود، از نخستین کسانی است که قرآن کریم را بعد از پیامبر (صلی الله علیه وآلہ) در حضور گواهان بسیاری در مکه تلاوت کرد و در این راه اذیت شد. (نک: ابن هشام، ۱/۳۱۴) بنا به نقلی، ابن مسعود یکی از چهار تنی بوده است که پیامبر (صلی الله علیه وآلہ) فراگرفتن قرآن از آنان را توصیه کرده بود. (بخاری، ۲/۳۰۷؛ مسلم، ۴/۱۹۱۳ و ترمذی، ۵/۶۷۴)

ابن مسعود می‌گوید: روزی پیامبر (صلی الله علیه وآلہ) به من فرمود: قرآن را بر من بخوان، عرض کردم بر شما بخوانم؟ در حالی که قرآن بر شما نازل شده است. فرمود: دوست دارم قرآن را از زبان تو استماع کنم. وی می‌گوید: من خواندن را از سوره نساء آغاز کردم، وقتی به آیه: «فكيف اذا جئنا من كل امه بشهيد و جئنا بك على هولاء شهيدا». (النساء، ۴۱) رسیدم، اشک از دیدگان رسول خدا (صلی الله علیه وآلہ) جاری شد. فرمود: اکنون بس است.

بر اساس روایت شیخ صدق، وی یکی از ۱۲ نفری بود که به انتخاب خلیفه اول و غصب خلافت امام علی (علیه السلام) معتبر بود و رسماً موضع گرفت. (همو، الخصال، ۲/۴۶۱-۴۶۴) همین ایمان راسخ است که به بیان امیر المؤمنین (علیه السلام) او یکی از صحابه هفت گانه‌ای است که روزی امّت به سبب وجودشان اعطاء می‌شود. (نک: قمی، سفینه البحار، ۲/۱۳۹) تمام این مخالفت‌ها بنا به نقل تاریخ در زمان خلافت ابوبکر و قتال اهل رده، مأمور حفظ مواضع بی حفاظت مدینه شد و در جنگ یرموق حاضر گردید؛ هم‌چنین در زمان خلافت عمر به ولایت کوفه منصوب شد. (خطیب بغدادی، ۱/۱۴۷) خلیفه دوم به مردم کوفه نوشت من، عمار یاسر و

اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وآلہ) است؛ و به روایت ابو نعیم اصفهانی ششمین کسی است که اسلام آورد^۱ (همو، ۲۲۰)، و از آن پس ملازم رسول خدا (صلی الله علیه وآلہ) گردید. بسیاری از دانشوران، اسلام آوردن او را با نقل معجزه‌ای از پیامبر (صلی الله علیه وآلہ) در

منابع مطرح کرده‌اند اگر چه او، خود این جریان را نقل می‌کند: «همراه عمومه‌ایم و گروهی دیگر برای تجارت عطر به مکه آمدیم. ما را به عباس بن عبدالمطلب راهنمایی کردند. در این هنگام، مردی وارد مسجد الحرام شد که جامه‌ای سفید بر تن داشت و محاسنی انبوه بر صورت، دندان‌هایش درخشش‌ده و چهره‌اش گیرا بود. طرف راست او نوجوانی خوش سیما و در پشت سرش بانوی که صورتش پوشیده بود. آنان کعبه را طواف کردند و به طرف حجر اسماعیل رفتند. آن مرد، دستانش را بالا آورد و تکبیر گفت. جوان در کنارش ایستاد و آن زن پشت سرش. قنوت و دعا و رکوع انجام دادند. این حرکات برای ما ناشناخته بود. نزد عباس که کنار زمزم نشسته بود، رفیم و پرسیدیم: این آین و مرام را پیشتر در میان شما ندیده بودیم؛ اینها کیانند و چه می‌کنند؟ عباس گفت: او برادرزاده امام محمد بن عبدالله (صلی الله علیه وآلہ) است و آن زن هم همسرش خدیجه (سلام الله علیها) و این نوجوان هم برادرزاده دیگرم علی بن ابی طالب (علیه السلام) می‌باشد. آنان آینی دارند که اکنون روی زمین جز این سه نفر بر آن آین نیست...». (ابن-ابی‌الحدید، ۱۲/۲۲۵)

آن‌گاه که اسلام را پذیرا شد، پیامبر (صلی الله علیه وآلہ) وی را به خدمت گرفت و در بسیاری از کارهای پیامبر (صلی الله علیه وآلہ)، خدمتگزار ایشان بود. (زرکلی، ۴/۱۳۷)

وی، از جمله صحابیانی است که «ذوالهجرتین» است یعنی دو هجرت حبسه و مدینه را تجربه کرد (ابن سعد، ۳/۱۵۱؛ ابن عبدالبر، ۳/۹۸۸)، پیمان برادری او با «معاذبن جبل» توسط پیامبر (صلی الله علیه وآلہ) در مدینه برقرار شد (بلاذری، الانساب الاشراف، ۱/۲۷۱) در غزوات رسول اکرم (صلی الله علیه وآلہ) حاضر بود و ابو جهل را به دست خویش به قتل رساند (واقدی، ۱/۸۹ و ابن ابی‌الحدید، ۱۴/۱۴۲) این عباس می‌گوید: در احمد در جرگه‌ی کسانی بود که دست از پاری پیامبر (صلی الله علیه وآلہ) برنداشت. (ابن ابی‌الحدید، ۱۳/۲۹۳) چون در منابع مختلف این-

^۱- ابن مسعود شیان عقبه بن ابی معیط بود؛ نقل شده است که روزی رسول اکرم (صلی الله علیه وآلہ) با ابوبکر بر رمه او می‌گذشت، از او شیر خواست، ابن مسعود به مقتضای امانت داری از دادن آن امتناع جست: رسول خدا (صلی الله علیه وآلہ) بزه میشی را که تا آن زمان بار نگرفته بود، برگرفت و پستان او را مس کرد که در همان حال پستانهای میش پر از شیر شد و روان گردید و ابن مسعود در اثر دیدن این معجزه مسلمان شد. (نک: امین‌الخلوی، ۱/۲۷۶)

خلیفه سوم ناسرا شنید و از مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) رانده شد و سه سال اجازه خروج از مدینه را نداشت. (بلاذری، الانساب والاشراف، ۳۶/۵)

وی درخواست کرد تا برای جهاد با کافران به شام برود؛ اما عثمان به توصیه مروان اجازه نداد او از مدینه بیرون رود؛ با این توجیه که او هر جا رود، مردم را ضد حکومت تحريك خواهد کرد. (بلاذری، الانساب والاشراف، ۱۴۸/۵)

ابن مسعود، همیشه نمازهای چهار رکعتی را در منی دو رکعتی می‌گزارد بنابراین در بدعت عثمان پیرامون نماز چهار رکعتی در منا به مخالفت برخاست و به سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حتی ابوبکر و عمر متذکر شد تا خلیفه دست از بدعتی دیگر بردارد. (نک: بخاری، ۳۵/۲ و مسلم ۱۴۶/۲)

به دلیل همین مخالفتها، سهم عبدالله بن مسعود از بیت المال قطع گردید؛ روایت شده است که عثمان بن عفان بر عبدالله بن مسعود در همان بیماری که با آن از دنیا رفت، وارد شد. پرسید: از چه ناراحتی؟ گفت: از گناهانم، گفت: به چه میل داری؟ گفت: رحمت پروردگارم، گفت: اگر موافق باشی طبیب برای تو بیاوریم، گفت: طبیب بیمارم کرده، گفت: اگر مایل باشی دستور دهنم عطای تو را از بیت المال بیاورند، گفت: آن روز که نیازمند بودم به من ندادی و امروز که بی نیازم به من می‌دهی؟ گفت: مانعی ندارد برای دخترانت باشد، گفت: آنها هم نیازی ندارد چرا که من سفارش کرده‌ام سوره واقعه را بخوانند، من از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می‌فرمود: هر کس سوره واقعه را هر شب بخواند هرگز فقیر نخواهد شد. (طبری، ۲۷۰/۹)

ابن مسعود در حالی که بیش از سوچت سال از عمر او می‌گذشت در مدینه وفات کرد، و طبق نقل اهل تسنن، زبیر اورا شبانه در بقیع به خاک سپرد. (ذهبی، ۸۴/۱) اما در نقل‌های شیعه آمده است که ابن مسعود نمی‌خواست عثمان از مرگش بهره برداری سیاسی کند، بنابراین همانند حضرت زهرا (سلام الله علیها) وصیت کرد او را به نحوی کفن و دفن کنند که خلیفه خبار نشود و بر جنازه‌اش نماز نخواند تا این سند مظلومیت برای او همواره ماندگار شود؛ سرانجام او را بدون اطلاع خلیفه به خاک سپرندند و چون عثمان اطلاع یافت، به شدت ناراحت شد و اعتراض نمود. عمار یاسر گفت: ابن مسعود خودش با من پیمان بسته و وصیت کرده بود که به تو خبری ندهم. (نک: ابن ابی الحدید، ۳/۴۲ و امینی، ۹/۱۹)

عبدالله بن مسعود را به معلمی و وزیری به سوی شما فرستادم تا زمینه مساعدی برای حضور وی در کوفه پدید آید؛ البته این حمایت و انتخاب را نباید منزله تأیید و پذیرش همه اعتقادات و منش‌های سیاسی خلیفه دوم، توسط ابن مسعود نیست؛ چه این که موارد اختلافی بسیاری بین این دو دیده می‌شود. ۳ بنا به گزارش‌های تاریخی، ابن مسعود در زمان خلیفه دوم در مدائی به تعلیم فقه و قرآن مشغول بود. (یعقوبی، ۱۲۹/۲) بعدها عمر او را که در «حمس» بود فراخواند و همراه عمار برای نظارت بر بیت المال به کوفه فرستاد. (بلاذری، فتوح البلدان، ۲۶۹) البته دیری نیاید که عمار از این مسئولیت عزل و مغیره بن شعبه جایگزین او شد. (همان)

عبدالله بن مسعود تا خلافت عثمان در کوفه ماندو آن‌گاه که عثمان مسلمانان را به خواندن مصاحفی که فراهم آورده بود، مجبور کرد، ابن مسعود آن را نپذیرفت و به عنوان اعتراض به عثمان در مورد اشراف زید بن ثابت بر کمیته نویسندهای قرآن گفت: آیا مرا کنار می‌گذارید در حالی که من - به هنگامی که زید بن ثابت کودکی بود و نمی‌توانست به خویشتن پردازد - هفتاد و اندی سوره را از زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرا گرفتم. (حجتی، ۲۴۲) با این رویکرد، عثمان او را از کوفه به مدینه طلبید و مردم کوفه پیرامون او گرد آمدند تا او را از رفتن باز دارند. ابن مسعود گفت: طاعت او بر من لازم است و دوست ندارم فتنه‌هایی که روی خواهد آورد از من آغاز شود.

خشم دیگر خلیفه سوم بر عبدالله بن مسعود، درباره «سعد بن ابی وقار» والی وقت کوفه بود که حاضر نشد و ام خود را به بیت المال پردازد، وقتی خبر به عثمان رسید سعد را عزل کرد و به ابن مسعود خشم کرد. (طبری، ۲۸۱۱/۱) سایر گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد این درگیری بین او و «ولید بن عقبه» در گرفته است (بلاذری، الانساب والاشراف، ۵/۳۰) که با شکایت ولید همراه بود و عثمان را مجبور کرد تا عبدالله را به مدینه بازخواند. (ابن عبدالبر، ۹۳۳/۳)

بر اساس نقل‌های موجود، موضع گیری عبدالله بن مسعود در برابر عثمان بیش از خلفای اول و دوّم به چشم می‌خورد؛ عثمان نیز وی را از مسجد اخراج می‌کرد و در پی یکی از همین مناقشات، دندۀ او شکسته شد و یا از جمله خدمات بدنی به پیکر وی می‌توان به تازیانه‌هایی که در اثر نماز خواندن بر ابوذر به جان او نواخته شد اشاره کرد، که همگی نشان از مخالفت وی با دستگاه حاکم بود. (نک: امینی، ۹/۴؛ ابن ابی الحدید، ۱/۱۹۹ و اقدی، ۲/۱۰۰) عبدالله بن مسعود در مدینه از

- نظری پذیرش موضوع متعه که ابن مسعود، صریح‌آبا خلیفه دوم به مخالفت برخاست و آیه ۲۴ سوره نباء را این گونه می‌خواند: «فما استمتعتم به منهن الی اجل» (نک: نوی، ۹/۱۷۹)

مصحف ابن مسعود

در میان مصاحف صحابه در منابع مختلف سخن از مصحف عبدالله بن مسعود به میان آمده است که در جریان توحید مصاحف، وی به درخواست عثمان مبنی بر تحویل آن توجهی نکرد که این اقدام منجر به مضر و شدن وی توسط عثمان شد. (ابن ابی داود، ۱۳-۱۸) اما برخی روایات حاکی از تأیید مصحف عثمانی توسط ابن مسعود و عدول از موضع پیشین است (همانجا) که این دسته روایات را می‌توان با توجه به رویکرد امام علی (علیه السلام) تحلیل کرد.

مصطفف امام علی (علیه السلام) بعد از پیامبر (صلی الله علیه وآلہ) مورد پذیرش دستگاه خلافت قرار نگرفت و از وداع امامان شیعه شد، بنابراین تاریخ ظهور امام زمان (علیه السلام) در نزد خاندان رسالت محفوظ خواهد بود و بنا به دستور حجج الهی، همین قرآن موجود تا روزگار ظهور موعود (علیه السلام)، حجت خواهد بود؛ به نظر می‌رسد ایستادگی ابن مسعود به سبب نشان دادن حقیقت برای نسل‌های آینده در مظلومیت قرآن و عترت بوده است و این مخالفت تا دستور امام علی (علیه السلام) در حمایت مصحف عثمانی برای حفظ جهان اسلام ادامه داشته است.

پر واضح است که جامعه بعد از پیامبر (صلی الله علیه وآلہ) دچار انحرافاتی شد که می‌توانست نه تنها به هسته اولیه شیعه که در عصر نبوی به وجود آمده بود ضربه بزند بلکه برخی از این بدعتها توانایی از بین بدن اسلام را برای همیشه در پی داشت که در این موارد، موضع امام علی (علیه السلام) مدارکردن با دستگاه خلافت برخلاف رضایت قلبی بود.

یکی از مسائل مهمی بود که به وسیله امیرالمؤمنین (علیه السلام) تدبیر شد تا این آیین به سرنوشت انجیل در مسیحیت دچار نشود اختلاف در کتاب آسمانی این آیین بود. بنابراین افرادی مانند ابن مسعود برای ثبت حقیقت در تاریخ اقداماتی را انجام داده و سپس به دستور امام موضع مدارا با جریان رایج را در پیش گرفته‌اند.

با این حال به این نکته نیز باید توجه داشت که گویا ابن مسعود به دلیل آگاهی مردم و یا هر دلیل دیگر «معوذین» را از مصحف خود حذف کرده بود که این اقدام با واکنش اهل‌بیت (علیهم السلام) همراه بوده است؛ مثلاً از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود: ابن مسعود دو سوره معوذین را از قرآن حذف کرده بود در حالی که پدرم فرمود: ابن مسعود این کار را به رأی خودش

انجام داده است. (نک: قمی، ۴۵۰/۲) شاید اعتقاد وی به این که معوذین از تعویذات پیامبر (صلی الله علیه وآلہ) است، دلیل اقدام اوست.

ابن مسعود و تفسیر قرآن

ابن مسعود از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وآلہ) و از یاران با وفای امیرالمؤمنین علی - بن ابی طالب (علیه السلام)^۱ و از مفسران به نام طبقه اول به شمار می‌رود. از لحاظ کثرت احادیث تفسیری تالی تلو ابن عباس بوده، و دارای مقامی ارجمند در تفسیر قرآن است. تسلط وی در مفاهیم قرآن و علم اسباب النزول، یکی از شاخصه‌های وی به شمار می‌رود. (مسلم، ۴/۱۹۱۳؛ ابن ابی داود، ۱۴)

وی، از آن جهت که دقیقاً حافظ قرآن بود، مورد توجه رسول خدا (صلی الله علیه وآلہ) قرار گرفت و پیامبر (صلی الله علیه وآلہ) دوست می‌داشت تلاوت قرآن را از زبان او استماع نماید. (قمی، سفینه البحار، ۲/۱۳۷) از رسول خدا (صلی الله علیه وآلہ) نقل شده است که فرمود: «من سره آن يقرء القرآن رطباً – كما أُنْزِل – فليقراً على قراءه ابن أَمْ عَبْدٍ» (عاصمی، ۳۶) یعنی: اگر کسی می‌خواهد قرآن را – همان گونه که نازل شده است – تازه و با طراوت قرائت کند باید آن را بر اساس قرائت «ابن ام عبد» بخواند. شاید همین تأییدها سبب شد شخصیت مهمی چون ابن عباس نیز از او قرآن بیاموزد و در مواردی از قرائت وی پیروی کند. (ابن ابی داود، ۵۵)

وی را در تفسیر باید شاگرد مکتب پیامبر (صلی الله علیه وآلہ) و امام علی (علیه السلام) دانست، آن چنان که خود می‌گوید: «تفسیر ۷۰ سوره از قرآن را که از لبان پیامبر شنیده بودم، نزد ایشان قرائت کردم و بقیة قرآن را در محضر بهترین امت و دانشمندان آنان بعد از پیامبر (صلی الله علیه وآلہ) فراگرفتم». (اماالی، طوسی، ۲۱۹/۲) ابن عساکر از عبیده سلمانی نقل می‌کند که «از عبدالله بن مسعود شنیدم که می‌گفت: اگر کسی داناتر از خود به کتاب خدا می‌شناختم که راهی به سوی او بود، نزد او می‌رفتم؛ کسی از جمع به او گفت: علی (علیه السلام) را چگونه می‌بینی؟ گفت: به او آغاز نمودم و نزد او دانش را فراگرفتم». (همو، ۲۵/۳) هم چنین زادان نیز از ابن مسعود نقل می‌کند که گفت: «تفسیر ۹۰ سوره را از پیامبر آموختم، ولی قرآن را نزد بهترین مردم پس از

^۱- ابوالصلاح حلبي و محدث قمی، عبدالله بن مسعود را از جمله صحابه ثابت قدم و از شیعیان خاص امام علی (علیه السلام) در قرن اول توصیف می‌کنند. (نک: حلبي، تقریب المعارف، ۱۶۸ و قمی، سفینه البحار، ۸/۱)

بن کعب و ابن عباس را در ردیف سوم و چهارم معرفی می‌کند؛ بر همین اساس در کتاب خود بیشتر از شش نفر^۲ دیگر به چهارنفر نخست می‌پردازد و انگیزه خود را از این اقدام تأثیر آنان در طول تاریخ مدارس تفسیری در شهرهای مختلف، می‌داند که در ادامه اشاره خواهد شد.

از ابوالجھر^۳ نقل شده است که به علی (علیه السلام) عرض کردند: ما را درباره ابن مسعود آگاه فرمود: «علم القرآن و السنّه، ثم انتہی و کفى بذلک علمًا». (زرقانی، ۴۸۳/۱) یعنی: قرآن و سنت را آموخت، سپس دانش خود را به نهایت رساند، پس از نظر علمی به حد کفايت رسید. از ابن مسعود روایت شده است که گفت: «والذى لا الله غيره ما نزلت آيه من كتاب الله الا و أنا اعلم فيمن نزلت و أين نزلت ولو أعلم مكان أحد اعلم بكتاب الله مني تناه المطايلا لأتيته» یعنی: سوگند به آنکه جز او خدایی نیست، هیچ آیه ای از کتاب خدا نازل نشد، مگر این که می‌دانم درباره چه کسی و کجا نازل شده است؛ و اگر کسی را بشناسم که نسبت به کتاب خداوند ازمن داناتر و دسترسی به او باشد به نزدش خواهم رفت.

حدیفه^۴ می‌گفت: «ان عبدالله كان من أقربهم وسيلة و اعلمهم بكتاب الله عزوجل». (قمی، سفینه البحار، ۱۳۸/۲) یعنی: عبدالله بن مسعود در میان اصحاب رسول اکرم (صلی الله علیه وآلہ) به عنوان نزدیکترین وسیله و عالم‌ترین مردم به قرآن بود.

چگونگی کسب معارف قرآن

نقل‌های مختلف، درباره شأن علمی و قرآن دانی عبدالله بن مسعود حاکی از تلاش او در مسیر کسب علوم قرآنی است؛ نگاه وی به قرآن آن‌گونه که خود می‌گوید به این ترتیب است که می‌گفت: «من اراد علم الاولین والآخرين فليتدبر القرآن». (حجتی، سه مقاله، ۳۳) یعنی: آنکه خواهان علم اولین و آخرين است باید در قرآن کریم تدبیر نماید. بر همین اساس تعدادی از صحابه، به شکل ویژه که دقیقاً نام آنها در تاریخ نیامده است به عنوان کسانی معرفی می‌شوند که آیات قرآن را به شکل ۱۰ آیه از پیامبر (صلی الله علیه وآلہ) فرا می‌گرفتند. از ابن مسعود نقل است که می‌گفت: «كان الرجل متى اذا تعلم عشر آيات لم يجاوزهن حتى يعرف معانيهن والعمل بهن». (طبری، ۱/۱)

^۲- شش نفر دیگر عبارتند از: انس بن مالک، ابوهریره، عبدالله بن عمر، جابر بن عبد الله، عبدالله بن عمرو عاص، عایشه. (نک: عاصمی، ۲۶۲ و قرطی، ۳۵/۱)

^۳- نجاشی وی را توثیق نموده است. رجال النجاشی، نجاشی ص ۱۴۷- رجال الطوسی، شیخ طوسی ص ۳۷

پیامبر به پایان بردم، به او گفته شد: او کیست؟ گفت: علی بن ابی طالب علیه السلام» (همانجا و سعد السعوود، ۲۸۵)

از مسروق روایت شده است که علوم و معارف اسلامی در میان صحابه، به شش تن منتهی می‌شود: حضرت علی (علیه السلام)، عمر، عبدالله بن مسعود، ابی الدداء، وزید بن ثابت، و علم همه آنها به دو نفر صحابی می‌رسد: علی (علیه السلام) و عبدالله بن مسعود. (حجتی، سه مقاله در تاریخ تفسیر و نحو، ۳۱)

این روایت به گونه‌ای دیگر هم از مسروق نقل شده است که می‌گوید: دانش به سه نفر ختم می‌گردد، علی بن ابی طالب (علیه السلام) که عالم مدینه، عبدالله بن مسعود عالم عراق و ابو الدرداء عالم شام؛ هرگاه اینان با یکدیگر بشینند؛ دو دانشمند عراق و شام از عالم مدینه پرسش نمایند، ولی او از آنان چیزی نمی‌پرسد. (ابن عساکر، ۵۱/۳)

نکته مهم در روش شناسی تفسیر عبدالله بن مسعود، پرهیز او از مراجعه به اهل کتاب است؛ نیک می‌دانیم برخی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه وآلہ) با مراجعه به اهل کتاب، سعی در تفسیر قرآن با رویکرد رجوع به آثار یهود و نصارا را داشتند که این اقدام با منع صریح رسول خدا (صلی الله علیه وآلہ) روبرو شد.^۵ با این حال بسیاری از صحابه در حیات و بعد از حیات پیامبر رسول خدا (صلی الله علیه وآلہ) از این مهم سرباز زدند، در این میان نام ابن مسعود با عنوان پیروان کلام (صلی الله علیه وآلہ) از این مهم سرباز زدند، در این میان نام ابن مسعود با عنوان پیروان کلام مسلمانان می‌گفت: «مسائل خود را از اهل کتاب نپرسید، چگونه آنان که خود را گمراه ساخته اند، می‌توانند شما را هدایت کنند و خالصانه شما را پند دهند؟! پس، گاهی حقی را می‌گویند و شما تکذیب می‌کنید و گاهی باطلی را می‌گویند و شما می‌پذیرید». (عسقلانی، ۲۸۱/۱۳)

جلال الدین سیوطی، بعد از نام بردن خلفای چهارگانه^۶ در یک تقسیم بندی ده گانه، ابتدا از ابن مسعود به عنوان مفسر قرآن یاد می‌کند. ذهبه نیز، در تقسیم بندی ده گانه خویش نسبت به امتیاز در کثرت نقل روایات تفسیری بعد از امام علی (علیه السلام) از ابن مسعود یاد می‌کند و ابی-

^۱- نمونه مشهور آن استتساخ خلیفة دّم از کنای یهودیان بود که با برخورد شدید رسول خدا (صلی الله علیه وآلہ) همراه بود. (نک: ابن کثیر، ۲/۴۶۷)

^۲- در تقسیم بندی و بینش سیوطی نسبت به بحث امامت، امام علی (علیه السلام) به عنوان چهارمین خلیفة پیامبر (صلی الله علیه وآلہ) طرح می‌شود، با این حال، او در این تقسیم بندی اذاعان دارد که از میان خلفای چهارگانه از (امام) علی بن ابی طالب (علیه السلام) بیشتر از سایر خلفاً روایات تفسیری نقل شده و تفاسیر روایت شده از سایر خلفاً به غایت اندک است. (نک: سیوطی، الانقان، ۲۰۴/۴)

بسیاری از احادیث وی را در مسانید مختلف به ویژه مسندهای حنبل می‌توان یافت. (ابن-حنبل، ۱/۳۷۴ - ۲۴۴) یحیی‌بن محمد بن صادع در اثری مستقل با عنوان مسندهای عبدالله بن مسعود احادیث او را رد آورده است. (ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر، ۴۵/۲۶۳) «مرّی» نیز احادیث پراکنده وی در صحاح سنه را گرد آورده و طبقه‌بندی کرده است. (همو، ۳/۷) علامه مجلسی در ۱۸ صفحه با عنوان «وصیه النبی الی عبدالله بن مسعود» از وی این روایت را نقل می‌کند. (همو، ۷۴/۱۱۰ - ۹۲)

تأسیس مدرسهٔ کوفه

صحابه مشهور با مهاجرت به شهرهای مختلف قلمروی جهان اسلام و طرح دیدگاه‌های خود نسبت به قرآن، در واقع اندک به تأسیس نهضت‌های مختلف نگرش به قرآن، اقدام کردند؛ در این میان عبدالله بن عباس بعد از شهادت امیر مؤمنان (علیه السلام) بصره^۹ را به مقصد حجاز ترک کرد و مدرسهٔ مکه را بنیان نهاد؛ ابی بن کعب که به علت حضور در مدینه، قرآن پژوهان او را مؤسس مدرسهٔ مدینه می‌دانند ضلع دیگر این جریان بود؛ بیشترین عامل این تحركات علمی به زمان یکسان سازی مصاحف توسط عثمان بر می‌گردد که شورای یکسان سازی در اختلافات به او مراجعه می‌کردند.

ابوموسی اشعری را نیز باید موسس مدرسهٔ بصره دانست؛ وقتی خلیفهٔ دوم مغیره را از ولایت بصره عزل کرد، ابوموسی را به این کار گماشت؛ حضور وی در بصره باعث انتقال اندیشه‌های منحرف^{۱۰} خود به بسیاری از تابعان و تبع آنان شد.^{۱۱}

مدرسهٔ شام نیز به اهتمام ابوالدرداء عویم بن عامر خزرچی انصاری، دایر شد که او بر خلاف مخالفت شماری از تابعان، از طرفداران ولایت اهل بیت (علیه السلام) به شمار می‌رود تا جایی که شیخ صدق او را توثیق کرده است. (نک، همو، امالی، مجلس ۱۸، ص ۶۹)

۱- ابن عباس در زمان حکومت ظاهری امام علی (علیه السلام) توسط ایشان به عنوان والی بصره منصوب شده بود که بعد از شهادت امام، هیچ ولایتی را پذیرفت و سعی در نشر علوم فراگرفته از خاندان وحی نمود.

۲- عبدالکریم شهرستانی می‌گوید: از رویدادهای عجیبی که من شنیده‌ام این است که ابوموسی اشعری دقیقاً همان مطالی را که نوه‌اش ابوالحسن اشعری (م. ۳۲۴) بیان می‌کرد را انتقال داده است. (همو، ۹۴)

۳- ابن حجر عسقلانی می‌گوید: تعدادی از تابعان و اتباع آنان، به دست او تربیت یافته‌اند. (همو، ۳۶۲/۵)

۲۷) یعنی: هریک از ما هر گاه ده آیه را فرا می‌گرفت تا وقتی که در مورد آنها معرفتی به هم نمی-رساند و خویشتن را بدان عملاً پای بند نمی‌ساخت، از آن پا فراتر نمی‌گذاشتند.

شخصیت حدیثی ابن‌مسعود

نقل و تدوین حدیث، اگر چه با توجه به واکنش دستگاه خلافت بعد از پیامبر (صلی الله علیه وآل‌ه) با چالشی جدی مواجه شد اما در شیعه اهتمام انتقال معارف توسط امامان و صحابه آنان با وجود همه محدودیت‌ها به چشم می‌خورد.

دستور امام علی (علیه السلام) به «سلیم بن قیس هلالی» مبنی بر نگارش رخدادها بعد از نبی (صلی الله علیه وآل‌ه) نشان می‌دهد منع تدوین و نقل احادیث هیچ‌گاه در شیعه جدی تلقی نشد و با وجود موانع بسیار انتقال احادیث و روایات به نسل دیگر از تکالیف یاران امام بوده است. ابن‌مسعود هم در این چرخه نقشی مهم دارد تا جایی که کتاب‌های معتبر اهل تسنن نیز به نقل حدیث از وی پرداخته‌اند.

از میان ۸۴۸ حدیث منقول از عبدالله بن مسعود، ۶۴ مورد، محل اتفاق بخاری و مسلم، ۲۱ حدیث از منفردات بخاری و ۳۵ حدیث از متفرقات مسلم است. (عسقلانی، تهدیب التهذیب، ۶/۲۷)

جمع بسیاری از صحابه مانند: ابی عباس، ابوسعید خدری، عبدالله بن عمر، عبدالله بن زبیر، ابو موسی اشعری، انس بن مالک، جابر بن عبد الله انصاری و... از وی به نقل حدیث پرداخته‌اند. هم‌چنین بسیاری از تابعان مانند: علقمه بن قیس، اسود بن یزید، زید بن وهب، عبدالرحمن بن ابی-لیلی، ابوالاسود دوئلی و عبیده سلمانی از او حدیث فراگرفته‌اند. (رازی، ۵/۱۴۹ و طوسی، ۲۳) در احادیث ابن‌مسعود موضوعات متعددی چون؛ موضوعات فقهی به خصوص زهد و اخلاق، تفسیر، تاریخ، معرفه الصحابة، ملاحن و فتن دیده می‌شود.

علاقة به موضوع مهدویت و نقل احادیث بشارت به حضرت مهدی (عجل الله فرجه) که از طرق بسیاری روایت شده است از شاخصه‌های احادیث منقول از ابن‌مسعود است. (نک: ابوداد، ۴/۱۰۶؛ ترمذی، ۴/۵۰۵)

یکی از دلایل مهم در توثیق طریق سدّی، ذکر سندهایی او از ابن مسعود و ابن عباس است. (همو، ۲۰۸/۴)

اگر چه برخی دانشوران وجود مدرسهٔ تفسیری را برای ابن مسعود قطعی نمی‌دانند (بابایی، ۱۷۳) اما بنا به باور نگارنده، یکی از دلایل انتقال پایتخت حکومت در زمان امام علی (علیه السلام) از مدینه به کوفه، آمادگی مردم این سامان در پذیرش فرامین امام (علیه السلام) بود که زمینهٔ این آمادگی، مرهون تلاشهای ابن مسعود در نشر معارف اسلام اصیل باید دانست. دانشوران شیعه و اهل تسنن نقل کرده‌اند که ابن مسعود در بسیاری از مواقع، مردم را به رجوع به معلم و مفسّر حقیقی قرآن، امام علی (علیه السلام) فرا می‌خواند. از او نقل شده است که می‌گفت: «قرآن کریم بر اساس هفت حرف نازل شده است که هر حرف آن دارای ظاهر و باطنی است و علی بن ابی طالب ظاهر و باطن تمام آنها را می‌داند».^{۱۰}

واثقت ابن مسعود

توثیق یا عدم توثیق عبدالله بن مسعود موضوعی رجالی است که مقاله‌ای مستقل را می‌طلبد اما به سبب فراز و نشیب‌های زندگی او، دو موضع کاملاً متفاوت در این خصوص می‌توان یافت.

در شیعه برخی او را علی رغم مخالفت‌های آشکار وی در برخی امور به سبب همکاری‌های با دستگاه خلافت توثیق نمی‌کنند.

وجود احادیث منقول از وی در کتاب‌های معتبر اهل تسنن را که در پیشنهاد آن اشاره شد می‌توان دلیل دیگر این دانشوران دانست.

علامه تستری، به دلایلی که در شیعه بودن ابن مسعود مطرح می‌شود خدشه می‌کند و می‌گوید: خبر انکار دوازده نفر به خلافت ابوبکر در منابع دیگر مثل: احتجاج طبرسی ذکر شده و ابن مسعود جزء آنها شمرده نشده است و از طرفی اخباری بر مخالفت او با حضرت علی (علیه السلام) داریم، و روایتی هم که نقل شده با این مضمون که ابن مسعود گفته من از امام خودم، در کارها اذن نمی‌گرفتم همان‌طور که سلمان و عمار می‌گرفتند لذا من توبه می‌کنم، خبر واحد است و نمی‌شود به آن استناد کرد. (همو، ۶/۶۰۰) آیت الله خوئی هم در کتاب معجم الرجال او را محبت

در کنار این مدارس باید از مدرسهٔ کوفه یاد کرد که بنیان گذار آن عبدالله بن مسعود است. مدرسهٔ کوفه، بعد از مکه مهم‌ترین مدرس از نظر گسترهٔ علم مختلف است.

ابن تیمیه با توجه به این که داناترین مرد را در زمینهٔ تفسیر به دلیل شاگردی ابن عباس، اهل مکه می‌داند، اما در اظهار نظری، اصحاب ابن مسعود را نیز در شمار داناترین مفسران جهان اسلام می‌دانند. (همو، ۲۴)

در ارزیابی تأثیر هر یک از این مدارس باید گفت از این میان، دو مدرسهٔ کوفه و مکه بیش از سایر مدارس شکوفایی چشم گیری داشت و از میان این دو، مدرسهٔ کوفه را می‌توان شاخص‌تر از مکه دانست، چه این که مدرسهٔ مکه یک سال بعد از فقدان ابن عباس در سال ۶۸ قمری رو به افول نهاد و بسیاری از شاگردان آن به سایر بلاد، نظیر خراسان، مصر و شام کوچیدند.

در کوفه شماری از بزرگان تابعان از عبدالله بن مسعود قرائت آموختند و تا چندی قرائت او در کوفه غالب بود، مانند: اسود بن یزید، زرّ ابن حبیش، عبید بن قیس، ابو عبد الرحمن سلمی، ابو عمر و شیبانی و زید بن وهب. (ابن ابی داود، ۱۳ و ابن جزری، ۱/۴۵۸)

در موضوع قرائات رسمی کوفه، قرائت افرادی مانند: عاصم، حمزه، کسایی و خلف از قاریان عشر، کمایش در قرائت ابن مسعود ریشه دارند. (ابن جزری، ۱/۴۵۹)

از جمله تأثیرات ابن مسعود در مدرسهٔ کوفه تربیت شاگردان فراوانی است که هریک برای خود در روایات تفسیری به شهرتی ویژه رسیده‌اند^{۱۲} و بسیاری از آنان در اعتقاد خود به فرهنگ تشیع ثابت قدم بودند؛ در این میان می‌توان از «اسماعیل بن عبدالرحمان ابو محمد قرشی کوفی» معروف به «سدّی کبیر»^{۱۳} (م. ۱۲۷) یاد کرد که علی رغم گرایش تشیع و موضع گیری جدی در برابر شیخین،^{۱۴} مورد توثیق علمای اهل تسنن، نظری: مسلم، ابن حبیان و ابن عدی است. (نک: ۲۵۳/۱) سیوطی در به دست آوردن اسناد روایات تفسیری ابن عباس، نه طریق ضعیف و قوی را بر شمرده است که در طریق چهارم از سدّی کبیر به عنوان طریق مورد قبول یاد می‌کند که

۱- نظری: عالمه بن قیس نخعی، ابووال شقيق بن سلمه اسدی کوفی، اسود بن یزید نخعی، مسروق بن اجدع، عبیده بن عمر و سلمانی، عمرو بن شرحبيل حارث بن قیس جعفی؛ آنان ۶ شاگرد معروف ابن مسعود به بیان خطیب بغدادی (۱۲/۲۹۹) است، جدای از اسامی فرق می‌توان از جمله اصحاب دیگر ابن مسعود به این اشخاص اشاره کرد: قیس بن ابی حازم، زرّین حبیش، ابوشعثای کوفی، محمد بن کعب قریظی، و...^{۱۵}

۲- چون بر سدّه - سکوی درب مسجد جامع کوفه - می‌نشست به سدّی معروف شد. (معرفت، ۱/۲۵۳)

۳- او به صورت آشکار به شیخین بدگیری می‌کرد. (نک: عسقلانی، تهدیب التهذیب، ۱/۳۱۴)

هم چنین، ابن مسعود احادیث سبقت اسلام علی (علیه السلام)، خلافت و ولایت، تقرب، حکمت، وقتال با ناکثین و مارقین و قاسطین را نقل می کند. (نک: امینی، ۳۳۷ / ۱) در مقابل دیدگاه های که به نقد عملکرد ابن مسعود پرداخته اند، دانشورانی چون سید مرتضی (همو، ۲۸۳ / ۴) و علامه مامقانی (همو، ۲۱۶ / ۲) از وی به نیکی یاد کرده و او را محباً اهل بیت (علیهم السلام) می دانند؛ مامقانی می نویسد: ابن مسعود از کسانی است که خودش از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایتی را نقل کرده که جانشینان وی دوازده نفرند که همان حضرت علی (علیه السلام) و فرزندانش هستند بنابراین نمی توان قبول کرد مطلبی را که خودش نقل کرده قول نداشته باشد و به آن معتقد ناشد. (همانجا)

نتائج مقاله

عبدالله بن مسعود از جمله صحابه رسول خدا (صلی الله علیه وآل‌ه) است که به علم قرائت به دلیل مصاحبت و ملازمت با پیامبر (صلی الله علیه وآل‌ه) و امام علی (علیه السلام) آگاه بوده است. بررسی زندگی این مسعود را می‌توان از دو جهت مورد ارزیابی قرار داد.

حضرت علی (علیه السلام) نمی‌داند و می‌گوید: تابع حضرت نبوده ولی چون در اسناد کتاب
کامل الزيارات آمده می‌شود حکم به وثاقت او داد. (همو، ۳۲۲/۱۰)
از متقدمان «فضل بن شاذان نیشابوری» از این جهت که وی با خلفا رابطه‌ای دوستانه داشته،
او را مورد نکوشش قرار داده است. (طوسی، اختیار معرفه الرجال، ۳۸) در بررسی نگاه وی می‌توان
گفت یکی از اقدامات امامان شیعه که دارای ابعاد مختلف است، سفارش ارتباط با دستگاه غاصب
خلافت در مواقع ضروری بوده است.

حفظ جان فرد، جلوگیری از برخی انحرافات حکومتی، کاهش تشدید فشارها بر شیعیان و... تهبا بخشی از این نوع عملکرد است تا جایی که مثلاً در زندگی علی بن یقطین ملاحظه می‌شود به اذن امام کاظم (علیه السلام) تا مستند وزارت خلفای عباسی پیش رفت. (نک: مجلسی، ۷۲)

نگارنده بر این باور است بسیاری از نسبت‌های ناروا به او، قرائت، تفسیر و مصحف‌اش به سبب اعتقاد وی به امام علی (علیه السلام) است چرا که در روایات فراوانی در منابع شیعه و یا حتی اهل تسنن می‌توانیم این اعتقاد را بیاییم؛ نظیر آن‌چه سیوطی در الدر المنشور می‌گوید: ابن مردویه از ابن مسعود روایت کرده که گفت: ما منافقین را در عهد رسول خدا (صلی الله علیه وآل‌ه) جز با محک دشمنی، با علم بن ابی طالب نمی‌شناختیم. (همو، ۱۶/۶۶)

در شیعه نیز شیخ طوسی از جابر و او از ابن مسعود نقل می‌کند که پیامبر (صلی اللہ علیہ و آله) فرمود: «حَرَّمَتِ النَّارُ عَلَى مَنْ آمَنَ بِي وَأَحَبَّ عَلَيَا وَتَوَلَّهُ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ مَازَى عَلَيَا وَنَأَوَاهُ، عَلَيِّ مِسْيَ كَجِلْدَه مَا بَيْنَ الْعَيْنِ وَالْحَاجِبِ». (همو، الامالی، ۲۹۵) آن چنان که پیشتر اشاره شد بیان امام علی (علیه السلام) مبنی بر دلیل خلقت زمین و نزول برکات آسمانی به خاطر هفت نفر که یکی از آنها عبدالله بن مسعود است، حاکی از اهمیت جایگاه وی است. «كَانَ هُؤُلَاءِ مِمَنْ خُلِقْتُ الْأَرْضُ لَهُمْ وَبِهِمْ يُمْظَرُونَ وَيُنَصَّرُونَ وَعَلَيِ إِمَامُهُمْ». (قمی، سفینه البحار، ۱۳۹/۳)

هم چنین عملکرد مثبت وی در روزهای نخست غصب خلافت و سخنرانی ۱۲ نفر از شیعیان در جمع مهاجر و انصار با اجازه امام علی (علیه السلام)، استدلال دیگر ماست. «... ثمَّ قَامَ عَبْدُ اللَّهِ بْنَ مَسْعُودٍ فَقَالَ يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ قَدْ عَلِمْتُمْ وَعَلِمَ خَيَارُكُمْ أَنَّ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ أَقْرَبُ إِلَى

كتاب شناسی

- ۱- قرآن مجید
- ۲- ابن‌الحیدی، عبد‌الحیمید، شرح نهج‌البلاغه، بیروت، دار احیاء الکتب‌العربیه، ۱۳۸۵ق.
- ۳- ابن‌ابی‌داود، عبدالله، المصاحف، قاهره، بی‌ن، ۱۳۵۵ق. ۱۹۳۶م.
- ۴- ابن‌اثیر، عزّالدین‌علی‌بن‌ابی‌الکرام، اسد‌الغایب، تهران، افسٰت، انتشارات اسماعیلیان، بی‌تا.
- ۵- ابن‌تیمیه، تقی‌الدین‌احمد‌بن‌عبد‌الحیم، مقدمه‌ی فی اصول التفسیر، قاهره، مطبعه‌السلفیه، ۱۳۸۵ش.
- ۶- ابن‌جزری، محمد، غایه‌النهایه، به کوشش‌گی، برگشترس، قاهره، ۱۲۵۱ق. ۱۹۳۲م.
- ۷- ابن‌سعد، محمد، الطبقات‌الکبری، بیروت، دار‌صادر، بی‌تا.
- ۸- ابن‌طاوس، سید‌رضی‌الذین‌علی‌بن‌موسى، سعد‌السعود، قم، افسٰت منشورات‌رضی، ۱۳۶۳ش.
- ۹- ابن‌عبد‌البر، الاستیعاب، به کوشش: البجاوی، بیروت، دار‌الجیل، ۱۴۱۲ق.
- ۱۰- ابن‌عساکر، ابوالقاسم‌علی‌بن‌الحسن، تاریخ‌دمشق، بیروت، دار‌التعارف، ۱۳۹۵ق.
- ۱۱- ابن‌کثیر، ابوالفاء اسماعیل، تفسیر القرآن‌العظمیم، مصر، دار احیاء الکتب‌العربیه، بی‌تا.
- ۱۲- ابن‌هشام، عبدالملک‌بن‌هشام، السیرة‌النبویه، بیروت، دار احیاء التراث‌العربی، ۱۹۸۵م.
- ۱۳- ابن‌حنبل، احمد، المسند‌احمد، بیروت، دار‌صادر، بی‌تا.
- ۱۴- اصفهانی، ابونعمیم، حلیه‌الاولیاء، بیروت، دار‌الفکر، بی‌تا.
- ۱۵- امین‌الخلوی، دائرة‌المعارف‌الاسلامیه، بیروت، دار‌الفکر، ۱۹۳۳ق.
- ۱۶- امینی، عبدالحسین، الغدیر، بیروت، دار‌الکتاب‌العربی، ۱۳۷۸ق.
- ۱۷- بابایی، علی‌اکبر، مکاتب‌تفسیری، قم، پژوهشکده‌هزوه و دانشگاه، تهران، سازمان‌مطالعه و تدوین کتب علوم‌انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
- ۱۸- بخاری، محمد‌بن‌اسماعیل، صحیح‌البخاری، بیروت، دار‌الفکر، ۱۴۰۱ق.
- ۱۹- بلاذری، احمد‌بن‌یحیی‌بن‌جبار، انساب‌الاشراف، بیروت، موسسه‌علمی، ۱۳۹۴ق.
- ۲۰- همو، فتوح‌البلدان، بیروت، دار‌الهلال، ۱۹۸۸م.
- ۲۱- تستری، محمد‌تقی، قاموس‌الرجال، قم، جامعه‌مدرسین، ۱۴۱۵ق.
- ۲۲- ابویسی‌محمد‌بن‌عیسی، ترمذی، سنن‌الترمذی، به کوشش: عبدالوهاب، بیروت، دار‌الفکر، ۱۴۰۲ق.
- ۲۳- حجتی، سید‌محمد‌باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن‌کریم، تهران، دفتر نشر فرهنگ‌اسلامی، ۱۳۶۰ش.
- ۲۴- همو، سه مقاله در تاریخ تفسیر و نحو، بنیاد قرآن، ۱۳۶۸ش. حلیبی، ابوالصلاح‌تقی‌الدین، تقریب‌المعارف، قم، ۱۴۰۴ق.
- ۲۵- خطیب‌بغدادی، ابوبکر‌احمدین‌علی، تاریخ‌بغداد، دار‌الفکر، بی‌تا.
- ۲۶- خوئی، ابوالقاسم، معجم رجال‌الحدیث، قم، چاپ اول، انتشارات‌مدينة‌العلم، ۱۳۹۸ق.
- ۲۷- ذهبی، محمد‌بن‌احمد‌بن‌عثمان، سیر اعلام‌النبلاء، بیروت، موسسه‌رساله، چاپ هفتم، ۱۴۱۰ق.
- ۲۸- همو، تاریخ‌الاسلام و وفیات المشاہیر، به کوشش: عمر‌عبدالسلام، بیروت، دار‌الکتاب‌العربی، ۱۴۱۰ق.

اول: دوره‌فرآگیری: عبدالله بن مسعود در این دوره بعد از مسلمان شدن به فرآگیری آموزه‌های وحیانی پرداخت که در این دوره از حیات، وی را همواره ملازم با رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآل‌هـ) و امیر‌مؤمنان(علیه‌السلام) مشاهده می‌کنیم.

دوم، دوره‌شکوفایی: در این دوره که مقارن با فقدان رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآل‌هـ) است، عبدالله‌بن‌مسعود به عنوان یکی از صحابه‌صاحب مستقل بعد از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآل‌هـ) جلوه می‌کند. اولین اقدام او مخالفت صریح وی با حکومت تشکیل شده در سقیفه‌بنی ساعده است؛ با این حال بعد از اسقرار حکومت، به دستور ابن‌مسعود امام‌علی (علیه‌السلام) در حدّتان حکومتی را که به نام اسلام در مدینه تشکیل شده است را حمایت می‌کند؛ اما این حمایت به معنای پذیرش بی‌چون و چرای قوانین حکومتی نیست، چه این که موارد مختلفی از اظهار مخالفت‌ها از وی خصوصاً در دوران عثمان، دیده می‌شود که خود حاکی از شرایط نامطلوب جامعه‌اسلامی است؛ این مخالفت‌ها به حدّی است که سهم او از بیت‌المال حذف می‌گردد.

در این دوره او، بنیان‌گذار مکتب کوفه است که می‌توان از عوامل انتقال پایتخت حکومت امام علی (علیه‌السلام) در این شهر دانست.

ابن‌مسعود از جمله هفت نفری است که از امیر‌المؤمنین علی (علیه‌السلام) منقول است که فرمود: به برکت او و ابوذر و مقداد و حذیفه و سلمان و عمران برکات آسمان نازل می‌شود و امام ایشان من هستم.

مواردی در زندگی ابن‌مسعود وجود دارد که حاکی از محبت و اعتقاد او به اهل‌بیت (علیهم السلام) است نظیر: ۱- حضور در جمعیت دوازده نفره مخالفان با خلافت ابوبکر، ۲- شرکت در مراسم تشییع مخفیانه حضرت زهرا(سلام‌الله‌علیها)، ۳- کفن و دفن ابوذر با توجه به این که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآل‌هـ) به ابوذر خبر داده بود که مؤمنانی تورا غسل و کفن و دفن می‌کند؛ ۴- نقل روایت جانشینان دوازده گانه بعد از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآل‌هـ)، ۵- مخالفت آشکار با عثمان؛ در مقابل همکاری‌های او با دستگاه خلافت قبل از عثمان را می‌توان با توجه به رویکرد اهل‌بیت (علیهم‌السلام) پیرامون برخی اصحاب امری طبیعی دانست؛ نتیجه این که دانشوران شیعه درباره‌ی اتفاق نظر ندارند، اگر چه به نظر می‌رسد می‌توان کلیت عملکرد او را جز در حذف «معوذین» که با واکنش اهل‌بیت (علیهم‌السلام) مواجه شده است، مثبت ارزیابی کرد.

- ۲۹- ذہبی ، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۳۸۱ق.
- ۳۰- رازی، ابومحمد عبد الرحمن، الجرح و التعديل، حیدرآباد هند، مطبعه مجلس دائرة المعارف العثمانی، چاپ اول، ۱۳۷۳ق.
- ۳۱- زرقانی، محمد عبد العظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی ، ۱۴۱۲ق.
- ۳۲- زرکلی، خیر الدین، الأعلام (قاموس تراجم) ، بیروت، دارالعلم للملائین، ۱۹۸۶م.
- ۳۳- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، قاهره، چاپ اول، ۱۹۹۷م.
- ۳۴- سید مرتضی، علی بن الحسین، الشافی فی الاماۃ، تحقیق: سید عبدالزهراء الحسینی الخطیب، چاپ دوم، تهران، مؤسسے الصادق، ۱۴۱۰ق.
- ۳۵- شحاته، عبدالله، علوم التفسیر، قاهره، مکتبة نهضة الشرق ، ۱۹۸۶ق.
- ۳۶- شهرستانی، محمد بن عبد الكریم، الملل و النحل، مصر، مطبعه مصطفی البابی الحلبي، بی تا.
- ۳۷- عاصمی، احمدبن علی بن احمد، المبانی فی نظم المعانی (مقدمة فی علوم القرآن)، قاهره، ۱۳۹۲ق.
- ۳۸- عسقلانی، ابن حجر شهاب الدین، تهذیب التهذیب، بیروت، دارصادر، ۱۳۲۵ق.
- ۳۹- همو، فتح الباری، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۰۰ق.
- ۴۰- همو، الاصابة فی تمییز الصحابة، مصر، چاپ اول، ۱۳۲۸ق.
- ۴۱- قرطبی، محمد بن احمد الانصاری، الجامع لاحکام القرآن، قاهره، ۱۳۸۷ق.
- ۴۲- قمی، علی بن ابراهیم قمی، التفسیر، محقق: طیب موسوی جزائری، قم، دارالكتاب، ۱۴۰۳ق.
- ۴۳- قمی، عباس، تتمه المنتهی، تحقیق: ناصر باقری بیدهندی، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۱ق.
- ۴۴- همو، سفینه البحار، خط زنجانی، افست مروی، ۱۳۵۵ق.
- ۴۵- همو، الکنی و الالقب، قم، انتشارات بیدار، بی تا.
- ۴۶- صدقوق، ابوجعفر محمد بن علی، امالی، نجف، ۱۹۷۰م.
- ۴۷- همو، منتهی الاماۃ، بی جا، انتشارات جاویدان، بی تا.
- ۴۸- همو، الخصال، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم ، جامعه مدرسین حوزه علمیة قم، ۱۴۰۳ق.
- ۴۹- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البيان لعلوم القرآن، داراحیاء التراث العربی ، ۱۴۱۲ق.
- ۵۰- طبری، محمدبن جریر، جامع البيان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۹۷۲م.
- ۵۱- همو، تاریخ الامم و الملوك، به کوشش: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۵۲- طوسری، ابوجعفر محمدبن حسن، الرجال، نجف، دارالفکر المکتبه الحیدریه، ۳۸۱ ق. ۱۹۶۱م.
- ۵۳- همو، الامالی، قم، دارالثقافه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- ۵۴- همو، الغییه، به کوشش: الطهرانی و ناصح، قم، المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
- ۵۵- مامقانی، تقطیع المقال فی علم الرجال، تهران، انتشارات جهان، ۱۳۵۲ق.
- ۵۶- مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، بیروت، دار الفکر، بی تا.
- ۵۷- مزی، یوسف، تحفة الاشراف، به کوشش: عبدالصمد، بیروت، دارالكتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.